

[توضیح بیشتر تقریب مرحوم نائینی از کلام مرحوم آخوند: 2](#_Toc501475490)

[سوال: وجود اتصال به لحاظ مجموع دو زمان 3](#_Toc501475491)

[پاسخ سوال: غفلت از لحاظ حادث نسبت به حادث دیگر 3](#_Toc501475492)

**موضوع**: شک در تقدم و تأخر /تنبیه یازدهم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در تنبیه یازدهم و صورت چهارمِ حادث های مجهول التاریخ بود.

بحث در تقریب کلام صاحب کفایه در صورت چهارم حادثان مجهول التاریخ بود. در این صورت، اثر برای اقتران یک حادث با نفس عدم حادث دیگر است، نه اتصاف به عدمِ آن حادث.

مثالش این بود که در ساعت اول، یقین به عدم ملاقات و عدم کریت داریم و یقینا در یکی از ساعت دوم و سوم، کریت و در دیگری ملاقات محقق شده است، لکن در تقدم و تأخر این دو حادث شک داریم. پس در ساعت سوم، علم به تحقق هر دو حادث داریم، ولی شک در مبدأ تحقق حادثین داریم.

موضوع حکم شارع به نجاست و انفعال آب، یک موضوع مرکب است، به این نحو که ملاقاتی باشد و کریت هم در آن زمان، محقق نباشد.

در مورد این صورت، مرحوم آخوند فرموده اند که استصحاب عدم کریت به خاطر قصور مقتضی جریان ندارد.

تقریب قصور مقتضی این بود که جریان استصحاب متوقف بر احراز اتصال زمان متیقن و مشکوک است که در این جا محرز نیست. البته مرحوم خویی تعبیر به زمان شک و یقین کرده اند که مرحوم آخوند این را قبول ندارند. آن چه که مهم است زمان متیقن و مشکوک است، نه یقین و شک.

مثال واضح برای عدم اتصال زمان متیقن و مشکوک این است که در اول صبح یقین به طهارت داشته باشیم و بعد نقض شود و سپس شک در طهارت کنیم. در این جا زمان طهارت مشکوک، متصل به زمان طهارت یقینی نمی باشد و وجود طهارت کنونی بقاء طهارت سابق نیست.

توضیح بیشتر تقریب مرحوم نائینی از کلام مرحوم آخوند:

مرحوم نائینی به خاطر اهمیت کلام مرحوم آخوند در این بخش، به توضیح آن پرداخته اند و باید توجه داشت که توضیح ایشان غیر از توضیح کلام مرحوم عراقی از مطلب کفایه است. ایشان فرموده اند:

در مورد حادثین، سه زمان داریم. زمان عدم تحقق حادثین که همان ساعت اول است. زمان تحقق هر کدام از دو حادث که ساعت دوم و سوم است. از آن جا که مشکوک عبارست از کریت حین الملاقات، این شک در ساعت دوم وجود ندارد؛ چرا که شک در کریت حین الملاقات، فرع بر این است که ملاقات، محرز باشد، در حالی که در ساعت دوم، ملاقات محرز نیست. در زمان دوم، صرفا اصل کریت، مشکوک است، نه کریت حین الملاقات. در ساعت سوم از آن جا که یقین به تحقق ملاقات وجود دارد، می توان گفت که کریت حین الملاقات مشکوک است، لکن برای اجرای استصحابِ عدم کریتِ الی حین الملاقات، باز مشکل دیگری وجود دارد؛ چرا که عدم کریت حین المقلاقات، مردد بین دو ساعت است، اگر ملاقات در ساعت دوم بوده باشد، عدم الکریتِ مستصحب نیز مربوط به همین ساعت می باشد و اتصال زمان متیقن (عدم کریت در ساعت اول) و مشکوک (عدم کریت در ساعت دوم)، وجود دارد، لکن اگر ملاقات در ساعت سوم بوده باشد، اتصال زمان متیقن (عدم الکریتِ ساعت اول) و مشکوک (عدم الکریتِ در ساعت سوم) وجود ندارد؛ چرا که در این فرض، کریت در ساعت دوم محقق شده است و فاصل بین دو عدم الکریت می باشد.

با توجه به این مطلب، محرز نمی شود که عدم الکریتِ مورد استصحاب، متصل به عدم الکریت ساعت اول است یا خیر. همین عدم العلم به اتصال، برای عدم جریان استصحاب کافی است.

از این نکته نباید غافل شد که مستصحب در این جا، مفاد لیس ناقصه یا سالبه محصله است. مستصحب عبارتست از : این آب، متصف به کریت نباشد. این همان عدم اتصاف یا لیس ناقصه است.

کلام صاحب کفایه این است که کی می توانیم بگوییم که کریت حال الملاقات مشکوک است؟ فقط در زمان سوم می توان گفت، لکن در زمان سوم هم استمرار محرز نیست. عدم کریتِ دراین زمان، مردد بین زمان مفصوله و متصله است و لذا شبهه مصداقیه اتصال متیقن و مشکوک است.[[1]](#footnote-1)

تعبیر کفایه به این شکل است: و معه لا مجال للاستصحاب حيث لم يحرز معه كون رفع اليد عن اليقين بعدم حدوثه بهذا الشك من نقض اليقين بالشك.[[2]](#footnote-2)

همان طور که مشاهده شد، مرحوم نائینی این عبارت را به عدم احراز اتصال زمان متیقن و مشکوک، تقریب فرمودند؛ یعنی از آن جا که این اتصال احراز نمی شود، صدق نقض یقین به شک هم در این مورد، احراز نمی­شود. این در حالی است که مرحوم عراقی این عبارت را به این شکل تقریب فرموده اند که چون در این جا احتمال می دهیم که نقض یقین به یقین باشد، نه نقض یقین به شک، پس استصحاب جاری نیست.

سوال: وجود اتصال به لحاظ مجموع دو زمان

در ادامه مرحوم آخوند این سوال را مطرح می کنند که درست است که در موردِ خصوص زمان سوم، اتصال وجود ندارد، ولی اگر مجموع ساعتین را در نظر بگیریم، به ساعت اول، متصل است. برای صدق استمرار هم همین که مجموع الزمانین، متصل باشد، کافی است. طبق این لحاظ، درست است که بگوییم شک در نقضِ عدم کریتِ در زمان اول داریم و لذا استصحابش جاری است.

پاسخ سوال: غفلت از لحاظ حادث نسبت به حادث دیگر

اگر استصحاب به لحاظ عمود زمان جاری می شد، این کلام درست می بود و نسبت به مجموع ساعتین استصحاب جاری می شد، لکن موضوعِ اثر، عدم حادث در زمان حادث دیگر است نه عدم حادث در ساعت دوم یا ساعت سوم. استصحاب هم به لحاظ موضوع اثر شرعی جاری می­شود. آن چه که موضوعِ اثر است، عدم کریت در زمان ملاقات است. ساعت الملاقات هم چون مردد است، پس این استصحاب، مثلِ استصحاب در فرد مردد است؛ یعنی همان اشکالی که در استصحاب فرد مردد وجود دارد، در این جا هم هست.

در مورد فرد مردد در شبهه عبائیه این شبهه و استبعاد مطرح بود که در صورت جریان استصحاب در فرد مردد، لازم است که به این مطلب ملتزم شویم:

در صورتی که علم اجمالی به نجاست در یکی از دو طرف راست و چپِ عبا داشته باشیم، لازم است از آن عبا اجتناب کنیم و مثلا با آن نماز نخوانیم. حال اگر دست خود را به طرف چپ عبا بزنیم، حکم به طهارت دست می شود؛ چرا که ملاقات با نجس، محرز نیست. سپس اگر طرف راست عبا را بشوییم و دست خود را به طرف راست بزنیم لازمه استصحاب بقاء نجاست در عباء این است که دست با نجاست ملاقات کرده است و باید تطهیرش کرد. این که بعد از ملاقات دست با طرفی که قطعا پاک است، حکم به نجاست دست شود، از لوازم عجیب استصحاب در فرد مردد است.

البته ما از این شبهه پاسخ دادیم که موضوع حکم به نجاست دست، نجاست ملاقی (خصوصِ طرف سمت چپ) است و اثبات این موضوع به وسیله استصحاب بقاء نجاست در عبا، اصل مثبت است.

این شبهه استصحاب فرد مردد در مورد بحث نیز مطرح است؛ چرا که عدم کریت در ساعت دوم، بقای عدم کریت متیقنه می باشد، ولی عدم کریت در ساعت سوم، بقای عدم کریت متیقنه محسوب نمی شود و از آن جا که معلوم نیست که عدم کریت مورد استصحاب، مصداقش کدام عدم کریت است، اتصال متیقن و مشکوک هم محرز نیست. اثبات عدم کریت در ساعت سوم، استمرار عدم کریت ساعت اول نیست، بلکه پرش و جهش است. اگر هم قرار است با استصحاب عدم کریتِ الی حین الملاقات، وقوع الملاقات در ساعت دوم را اثبات کنید، از مصادیق اوضح اصل مثبت است و مثل استصحاب نجاست در شبهه عبائیه است که برای اثبات نجاست طرف غیر مغسول صورت می گیرد. استصحاب نجاست در عبا، اگر برای اثبات نجاست طرف غیر مغسول باشد، اصل مثبت است و اگر هم برای اثبات نجاست اعم از طرف راست و چپ است (چه طرف راست باشد و چه طرف چپ باشد.) فرض این است که نجاست در طرف راست، اثر ندارد. در مورد بحث هم با استصحاب عدم الکریت الی زمان الملاقات، اگر می خواهید اثبات کنید که ملاقات، در ساعت دوم بوده است و استمرار محقق است، مشکلش اصل مثبت است و اگر هم می خواهید اثبات عدم الکریت در زمان ملاقات (چه ساعت دوم بوده باشد و چه ساعت سوم) را کنید، مشکل این است که عدم الکریت در زمان ملاقات، اگر در ساعت سوم باشد، شرط استمرار را ندارد.

پس استصحاب عدم کریت در مورد بحث، شبهه مصداقیه خودِ نقض و دلیل استصحاب است (نه شبهه مصداقیه نقض یقین به شک که محقق عراقی مطرح کرده است) و استمرار در آن، محرز نیست.

1. [فوائد الاصول، محقق نایینی (ابوالقاسم خویی)، ج4، ص510.](http://lib.eshia.ir/13102/4/510/الاعاظم) [↑](#footnote-ref-1)
2. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص420.](http://lib.eshia.ir/27004/1/420/یحرز) [↑](#footnote-ref-2)